

# خُنیاگری

نقد موسیقی

کتاب اول



گزینش و ویرایش  
پیمان سلطانی








## انتشارات آگرا

تهران - صندوق پستی ۸۱۷-۱۳۱۴۵  
تلفن و فکس ۸۹۰۵۴۴۴-۸۹۰۷۰۱۶

خُنیا گری	پیمان سلطانی
چاپ اول	۱۳۸۱
آشناسازی و حروف نگاری	دفتر نشر آگرا
شماره‌ی نشر	۶
حروف نگار	مریم خسروی
نمونه خوان	نیکو یوسفی
ترجمه‌ی متن پایانی	فرزان سجودی
طرح جلد و صفحه‌آرایی	پیمان سلطانی
چاپ جلد	دیگر
چاپ متن	نوبهار
لیتوگرافی	مهران نگار

مرکز بخش درجه  ۶۴۹۱۸۸۵

۵۵۰۰ نسخه



این کتاب با همکاری انجمن موسیقی آغاز و نشر لویه به چاپ رسیده است



همه‌ی حقوق چاپ و نشر این کتاب متعلق به نشر آگرا می‌باشد

شابک ۹۶۴-۹۳۲۵۹-۲-۱ • ISBN 964-93259-2-1

AGRA PUBLISHING, Inc.  
Email/Agra-pub@yahoo.Com  
Tehran P.O. Box 13145-817  
Tel/+98-21-8907016 Fax/+98-21-8905444



۹	مقدمه‌ی ناشر
۱۱	درون روندگی ، پیمان سلطانی
۱۵	راوی سوم ، آرش احمدی
۲۹	رساله استفهامی ، حامد اصغرزاده
۴۱	بیداد به بهانه بیداد ، پوریا حاجی‌زاده
۵۱	کاباره‌ای از نوع دیگر ، پیمان سلطانی
۷۱	تجسد برداشت جاری ، نیما مفتون
۸۷	میراث ژنتیک ، نیکو یوسفی
۱۰۵	نمایه
۱۱۸	درون‌روندگی (متن انگلیسی)



## مقدمه‌ی ناشر

"خنی‌گری" اولین مجموعه‌ای است که در حوزه‌ی نقدِ موسیقی در ایران نوشته و منتشر می‌شود. و شاید اولین مجموعه‌ای باشد که با نگاهی زیبایی‌شناسانه و اندیشه‌ی انتقادی موسیقی ایران را مورد بررسی قرار می‌دهد. از این رو می‌توان امیدوار بود که این مجموعه و مجموعه‌های دیگری از این دست، بتوانند راهگشای جریانی باشند تا پاسخ‌های معلق در حوزه‌ی موسیقی ایران، پاسخ داده شوند.

شش اثر شنیداری در این مجموعه مورد نقد و بررسی قرار گرفته است. این آثار (شنیداری) به سبب قابل دسترس بودن، رسوخ، گستره‌ی شنیداری و فراگیر بودنشان، همچنین به دلیل تأکید شنود بر حس و عاطفه‌ی مخاطب انتخاب شده‌اند، از این روست که با شنود همگانی به گفتار و گفت‌وگو می‌پردازند. انتشارات آگرا همکاری خود را جهت نشر هرگونه‌ی مجموعه‌ی نظری، انتقادی و زیبایی‌شناسی و هر پدیده‌ی "نو"یی در زمینه‌ی موسیقی اعلام می‌دارد.



## درون روندگی

عاشق همیشه فکر می‌کند که معشوق ممکن است بمیرد؛ - رفتن به معنای مرگ است - این، آن تصور اولیه‌ای است که هرگز به ذهن منتقد رسوخ نخواهد کرد. او می‌داند که معشوق روزی خواهد مُرد و دلیل مرگش را نیز می‌داند. تفاوت منتقد و یک مخاطب عادی در این است که او مدام به دنبال عناصر اندیشگی است و مخاطب در پی ادراک و ادراک نیز کاملاً با حسیت و غیبتِ اشیاء به طور مستقیم در ارتباط قرار دارد.

مخاطبین ما آموزش می‌بینند تا زیبایی‌ها را فراموش کنند و منتقدین می‌کوشند تا آن زیبایی را انتخاب کنند. کوچک‌ترها وقتی به کلاس نقاشی می‌روند، یادشان می‌رود که نقاش بوده‌اند، وقتی به مدرسه می‌روند فراموش می‌کنند چه شعرهای زیبایی می‌سرودند. الگوها، همه‌چهره‌های شاخص را از بین برده‌اند. هنر ناب، زیباتر از خودِ دنیا است. این همان چیزی است که منتقد می‌خواهد به اثبات برساند. ایجاد یک جامعه درونی زیبا که با پیوند مؤلف و منتقد به کمال می‌رسد، کار اصلی منتقد است. منتقد مدام در پی یافتن ارجاعات متعدد در اثر است و اگر اثری فاقد تعدد ارجاعات و کثرت ارجاع باشد،



زیبایی، غیر قابل مصرف می ماند و منتقد نمی تواند با عنصر اندیشگی روبه رو شود. در شرایط کنونی، خالق کسی است که دست به شیء سازی تمثیلی و از خود بیگانگی تمثیلی می زند و منتقد کسی است که با قدرت اندیشگی اش، چگونه ساخته شدن نظام های غیر واقعی را آشکار می کند.

در این مجموعه سعی شده است تا فاصله ی بسیار زیاد موسیقی یک قرن اخیر ایران با زیباشناسی صدساله اخیر موسیقی از میان برداشته شود. در قضاوت و در داوری تنها مسأله زیباشناسی مطرح نیست، بلکه ایدئولوژی نیز مطرح می گردد. زیرا استتیک به طور مستقیم با هنر در ارتباط است و ایدئولوژی با تاریخ. لذا، اگر بپذیریم که همه چیز قابل ساختارزادایی است، خواه تاریخ، زیباشناسی و فلسفه باشد و خواه مطلقیت های متافیزیکی؛ بنا براین می توانیم ساختار تک تک این عناصر را باز کرده و بازگردانیم به ریشه های اصلی شان. و با پیدا شدن معنا های جدید، اثر را از فرمی به فرم دیگر و از مقوله ای به مقوله دیگر حرکت دهیم. به همین دلیل است که ما نمی توانیم موسیقی را از نقد موسیقی، نقد موسیقی را از فلسفه، فلسفه را از الهیات و الهیات را از ایدئولوژی صرف، جدا کنیم. در نتیجه زمانی خواهیم توانست اثری منحصر به فرد بیافرینیم که ایدئولوژی ماقبل آن را نفی کنیم؛ یعنی تاریخ را به نفع تاریخ جدید نفی کرده و کنار بزنیم. نفی تاریخ بلا فصل خودمان، یعنی دست یابی به دیالکتیک تاریخی.

ما در موسیقی ایران اثری را نمی شناسیم که فصل جدیدی از تاریخ ایران را آغاز کرده باشد. هیچ فصل جدید تاریخی ایران با موسیقی ایران آغاز نشده است. ما عصر آقا حسینقلی نداریم، عصر ابوالحسن صبا هم نداریم، اما عصر فردوسی داشته ایم، عصر سعدی و حافظ داشته ایم، اما عصر سلطان محمود، اتابک و عصر شاه شجاع نداشته ایم.

پس از مشروطیت ما عصر هدایت و نیما را هم داشته ایم. اینان



اعصار فرهنگی ما هستند. بنابراین اگر بخواهیم با مفاهیم و مقولات فرهنگی و مقولات زیباشناسی و ایدئولوژیک به مسائل ننگریم، حیثیت تاریخی و فرهنگی را زیر سؤال برده‌ایم.

این آدم‌ها (هدایت و نیما و...) بسیار بسیار مهم‌تر از رضاخان پهلوی و ناصرالدین شاه قاجار بوده‌اند؛ این افراد اعصار فرهنگی ما هستند. ما نباید تنها به ظواهر تاریخ بنگریم. زیرا هستی آن چیزی است که درون آن واقع شده است، نه در ظاهر آن. منتقد به ظواهر توجه نمی‌کند، او تلاش می‌کند تا به ریشه دست یابد و با دسترسی به ریشه‌هاست که ظواهر از بین می‌روند. لذا اگر بخواهیم در هر عصر به ریشه آن رجوع کنیم، تنها باید هنر و ادبیات آن عصر را نظاره کرده و به هستی آن رسوخ کنیم.

هستی اشخاص عملاً در تصور متافیزیکی آنها از دنیا منعکس می‌شود. اساس تاریخ هم بر حالات متافیزیکی و مابعدالطبیعی استوار شده است. ما نیز باید فیزیک دنیای خیالی خودمان را به هم ریخته و به اصل متافیزیک هر عصر دست بیابیم و از این طریق وارد هستی تاریخی شویم. و تنها از این طریق است که می‌توانیم به حالات فیزیکی و متافیزیکی و مابعدالطبیعی دست پیدا کنیم. منتقد تنها از این طریق می‌تواند داورِ معقول و عادلانه‌ای انجام دهد؛ نفی یا تأیید اثر دغدغه او نیست، بلکه او می‌کوشد تا دنیایی جدید را به مخاطبین معرفی کند. اثرِ موفق از دید او، اثری است که به مخاطب خود اجازه و حق می‌دهد تا درباره آن به داورِ بنشیند ■



...الگوها، همه‌ی چهره‌های شاخص را از بین برده‌اند. هنر ناب، زیباتر از خود دنیا است. این همان چیزی است که منتقد می‌خواهد به اثبات برساند. ایجاد یک جامعه‌ی درونی زیبا که با پیوند مؤلف و منتقد به کمال می‌رسد، کار اصلی منتقد است. منتقد مدام در پی یافتن ارجاعات متعدد در اثر است و اگر اثری فاقد تعدد ارجاعات و کثرت ارجاع باشد، زیبایی، غیر قابل مصرف می‌ماند و منتقد نمی‌تواند با عنصر اندیشگی روبرو شود. در شرایط کنونی، خالق کسی است که دست به شیء سازی تمثیلی و از خود بیگانگی تمثیلی می‌زند و منتقد کسی است که با قدرت اندیشگی اش، چگونه ساخته شدن نظام‌های غیر واقعی را آشکار می‌کند....

✂ برگرفته از مقدمه‌ی کتاب



نشر آکرا

ISBN: 964-93259-1-3



9 789649 325910



مرکز موسیقی پتهوون شیراز